

بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با مشارکت سیاسی

دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

رسول حمیدی هریس^۱

فیروز راد^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۴/۹

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۶/۱/۲۶

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز در سال ۱۳۹۳ انجام پذیرفت.

جمعیت آماری این تحقیق ۱۸۵۴۰ نفر می‌باشد و برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است، که نمونه به دست آمده از این فرمول ۳۷۶ نفر می‌باشد. روش تحقیق مورد استفاده پیمایشی است و از طریق پرسشنامه داده‌ها جمع‌آوری شده است. برای برآورد پایایی ابزار اندازه‌گیری از فرمول آلفای کرونباخ استفاده شده است. روش آماری در این پژوهش شامل همبستگی پیرسون، آزمون t و آزمون F است که از برآوردهای نرم‌افزار spss 20 استفاده شده است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد بین متغیر میزان سرمایه فرهنگی و میزان مشارکت سیاسی با سطح معنی‌داری (۰/۰۰۱) و میزان آگاهی سیاسی با سطح معنی‌داری (۰/۰۰۱)، میزان مشارکت در تجمعات سیاسی دانشجویان با سطح معنی‌داری (۰/۰۰۱) و میزان سیاسی بودن گروه مرجع (دوستان) دانشجویان سطح معنی‌داری (۰/۰۰۳) و میزان مشارکت در انتخابات (۰/۰۰۱) و سطح عضویت در انجمن‌ها و احزاب سیاسی سطح معنی‌داری (۰/۰۰۱) رابطه معنی‌داری وجود دارد، اما بین سرمایه فرهنگی و احراز مناصب سیاسی با سطح معنی‌داری (۰/۲۸) رابطه معنی‌داری وجود ندارد. بین متغیر زمینه‌ای سن و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان با سطح معنی‌داری (۰/۸۷۳) رابطه وجود ندارد، همچنین بین میزان مشارکت سیاسی در سطوح مختلف تحصیلی (۰/۴۴۸) و جنسیت (۰/۷۲۶) تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. اما بین وضعیت

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز- ایران.

E- mail: rasolhamidi55@yahoo.com

۲. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور- صندوق پستی ۱۹۳۹۵۳۱۹۷، تهران- ایران (نویسنده مسئول).

E- mail: rad_291@yahoo.com

تاehl با سطح معنی‌داری (۰/۰۰۹) تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در پایان میزان مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز با سطح معنی‌داری (۰/۰۰۱) بیشتر از حد متوسط می‌باشد و میزان سرمایه فرهنگی دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز با سطح معنی‌داری (۰/۱۸۷)، در حد متوسط می‌باشد.

واژگان کلیدی: سرمایه فرهنگی، مشارکت سیاسی، آگاهی سیاسی، انتخابات، مناصب سیاسی و احزاب سیاسی.

مقدمه

از زمان پیدایش نخستین جامعه شورایی سومری که در آن اداره امور اجتماعی از سوی شورای معمرین «مجمع شهر» انجام گرفت، تا پیدایش نظام مردم‌سالاری آن، که بنیاد آن بر اصلی قرار گرفت که پریکلس آن را «گفتگوی صحیح» نامید. یعنی گفتگوی آزاد و بی‌قید و شرط و همچنین تا تحقق نظام‌های دموکراسی جدید و چگونگی مشارکت سیاسی مردم همواره دغدغه ذهنی اندیشمندان و دولت‌مردان سیاسی بوده است. چگونگی مشارکت مردم در نظام‌های مردم‌سالار از طرفی و محدود کردن آن در نظام‌های خودکامه و از طرف دیگر بستری را فراهم آورده است که اندیشمندان از زوایای مختلف به طرح موضوع پردازند.

در نظام‌های غربی با پیدایش انقلابات اجتماعی، مشروعیت بروکراتیک، جایگزین مشروعیت سنتی گردید. آن چه امروز تحت عنوان دستاوردهای دموکراسی می‌شناسیم حاصل تحولاتی درازمدت است، که از دید خود آنان نه نظامی مطلوب ممکن را فراهم آورده است (اطاعت، ۱۳۷۸: ۷۷)

به نظر می‌رسد در جهان معاصر توجه زیادی به مشارکت سیاسی می‌شود. تعداد زیادی مطالعات نظری و کیفی در رابطه با مشارکت سیاسی و دموکراسی وجود دارد که قدمت آن حداقل به رساله دوتوکویل درباره دموکراسی در آمریکا، بر می‌گردد. در طول چند دهه گذشته حجم قابل توجهی از دانش تجربی نیز در مورد مشارکت سیاسی پدید آمده است. البته به نظر می‌رسد، سهم عمده تحقیقات تجربی در مورد مشارکت سیاسی به سیدنی، وربا و همکاران او بر می‌گردد (امام جمعه‌زاده و مرندي).

مشارکت سیاسی آن هم به صورت آگاهانه و فعالانه سرمایه‌گرانهایی است که ضامن بقا و عامل مصنوعیت هر نظام حکومتی به شمار می‌آید. اکثر نظریه‌ها بر همبستگی مثبت بین مشارکت افراد در تصمیم‌گیری‌ها و بالا رفتن کیفیت و کارایی تاکید می‌ورزند. امروزه مشارکت سیاسی به عنوان مهم‌ترین شاخص توسعه سیاسی ملت‌ها به امری گریزناپذیر تبدیل شده است. این امر در کشورهای جهان سوم که گذار از سنت به مدرنیته را تجربه می‌کنند، به شکلی حساس‌تر خود را نشان می‌دهد. دولت‌ها نیز ناچارند برای کسب مشروعیت به مشارکت سیاسی تن در دهند. از طرف دیگر میزان بالای مشارکت سیاسی مردم در زمینه تصمیمات و خط‌مشی‌های سیاسی بر فرهنگ توسعه یافته و توسعه یافتگی فرهنگ سیاسی آن

جامعه دلالت دارد. از منظر دینی، مشارکت سیاسی فعال و حساسیت نسبت به سرنوشت خود و جامعه، نه تنها یک حق، بلکه یک تکلیف حتمی و ضروری و ارزشی مطلوب برای دانشجویان و عموم جامعه است. از این رو بررسی نقش، جایگاه و کارکردهای دانشجویان در نظام سیاسی و ضرورت بهره‌مندی جامعه از توانمندی‌های دانشجویان در اداره امور می‌تواند یکی از شرایط اجتناب‌ناپذیر توسعه سیاسی و اجتماعی باشد (غفاری هسجین؛ بیگی‌نیا و تصمیم قطعی، ۱۳۸۹).

فرهنگ به عنوان سرمایه معنوی مادی و متراکم شده جوامع و اصلی‌ترین عامل حفظ و تقویت هویت ملی دینی و تاریخی مردم یک کشور و جامعه شناخته می‌شود، با این نگاه فرهنگ را از حیث ویژگی‌ها و کارکردهای آن در دو سطح می‌توان مورد تجزیه و تحلیل قرار داد که از آن به عنوان ساحت معنوی (بعد اساسی) و ساحت مادی (بعد مشهود یا متبلور) فرهنگ یاد می‌شود. سطح بنیادین یا اساسی فرهنگ شامل ارزش‌ها، هنجارها، رفتارها، بایدها و نبایدها، اعتقادات و نگرش‌ها است و سطح مشهود آن به کالاها، محصولات، خدمات و ابزارهای فرهنگی نظیر کتاب، مطبوعات، هنر، سینما، زبان، آداب و رسوم، سنن، رفتارها، اطلاع‌رسانی، تبلیغ و مواردی از این قبیل باز می‌گردد.

اگر چه مفهوم فرهنگ سابقه بسیار طولانی دارد، اما سرمایه فرهنگی مفهوم جدیدی است که بررسی و شناخت ابعاد مختلف آن قدمت زیادی ندارد. استفاده کاربردی وسیع از مفهوم سرمایه فرهنگی در نیمه دوم قرن بیستم در حوزه جامعه‌شناسی غرب معمول گشت و به معنی قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در هر فرد است. به رغم تازه بودن مفهوم سرمایه فرهنگی، این مفهوم جایگاه ویژه‌ای نزد پژوهشگران علوم اجتماعی پیدا کرده است. در نظریه سرمایه فرهنگی بوردیو، مالکیت سرمایه فرهنگی به فرد اجازه می‌دهد در حوزه تولید فرهنگی اعمال کنترل نماید. با وجود این سرمایه فرهنگی نمی‌تواند آن را به دیگران منتقل کند و باید در فرایند تولید آن را مورد استفاده قرار دهد.

مبانی نظری

سرمایه به منابع یا قابلیت‌های در اختیار فرد یا موقعیتی اشاره دارد که از نفوذ اجتماعی یا رواج برخوردار باشد (سیدمن، ۱۳۸۸: ۱۹۸). سرمایه هرگونه خاستگاه و سرچشمه در عرصه‌ای اجتماعی است که در توانایی فرد برای بهره‌مندی از منافع خاصی که در این صحنه حاصل می‌گردد، موثر واقع شود (استونز، ۱۳۸۳: ۳۳۵). پی‌یر بوردیو از سه گونه سرمایه فرهنگی سخن می‌گوید:

نوع اول سرمایه شامل سرمایه فرهنگی متجسم که مشتمل بر هر دو گونه مکتوبات آگاهانه و میراث-بری‌های منفعلانه یک شخص می‌باشد. نوع دوم سرمایه شامل سرمایه فرهنگی عینیت یافته، که سرمایه‌های فرهنگی است که به صورت اعیان فیزیکی به تملک درآمده است، مانند آثار هنری، نوشتن و مانند آن‌ها اشاره دارد. نوع سوم سرمایه شامل سرمایه فرهنگی نهادینه شده است، که دلالت به مدارک آموزشی دارد، که شایستگی‌های آکادمیک برای دارندگان‌شان سودهای اقتصادی و نمادینی مانند درآمد بالا و اعتبار شغلی بالا به همراه دارد.

مشارکت نوعی کنش آگاهانه و اختیاری جمعی برای نیل به اهداف و آمال مشخص است. در این بیان، مشارکت کنشی است که از رهگذر آن آحاد یک جامعه شرایط تحقق انتظارات خود را مهیا می‌سازند و به فعالیت‌های نظام مستقر شکل، درون‌مایه و جهتی خاص می‌بخشند.

اشکال مشارکت سیاسی عبارت است از: مشارکت عادی (شرکت در انتخابات و رای‌دادن، شرکت در احزاب سیاسی و مبارزه سیاسی) و مشارکت غیرعادی (شرکت در جنبش‌های اجتماعی، فعالیت سیاسی رادیکال و انقلابی) (صبوری، ۱۳۸۱: ۱۴۰).

به نظر هانتینگتون، از میان عوامل منزلتی، میزان تحصیلات فرد بیشترین تاثیر را بر مشارکت سیاسی دارد. عامل دوم، مجاری سازمانی، یعنی عضویت فرد در انواع گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی مانند اتحادیه‌های شغلی و صنفی، گروه‌های مدافع، علائق خاص و غیره است که احتمال مشارکت در فعالیت سیاسی و اجتماعی را بیشتر می‌کند. همچنین بین گسترش فرصت‌های تحرک اجتماعی فردی و مشارکت سیاسی در کوتاه مدت رابطه معکوس وجود دارد و چنان چه افرادی بتوانند با استفاده از بالا بردن سطح تحصیلات، انتقال به شغل پر منزلت‌تر یا کسب درآمد بیشتر به اهداف مورد نظر خود که همان بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود است، دست یابند، معمولاً از مشارکت در سیاست و فعالیت اجتماعی صرف‌نظر می‌نمایند (ریبی، ۱۳۸۰: ۷۵-۷۴).

در خانواده، والدین، ارزش‌ها و نگرش‌های سیاسی‌شان را از طریق بحث و گفتگو در منزل به فرزندان‌شان انتقال می‌دهند و به این صورت علاقه یا بی‌علاقگی خود را نسبت به مسائل سیاسی ابراز می‌کنند. مدرسه، دوستان و همکلاسی‌ها و وسایل ارتباط جمعی نیز از طریق ارائه اطلاعات و تفسیر پیرامون دنیای سیاسی بر تفکر و رفتار سیاسی افراد تاثیر می‌گذارند و فرد از نظر سیاسی آن‌گونه می‌اندیشد که از نظر اجتماعی در آن به سر می‌برد (شافر، ۲۰۰۱: ۴۲۶). با توجه به این که تاکنون کمتر نظریه جامع و کاملی برای بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و مشارکت سیاسی ارائه شده است و نظریات موجود هر کدام متغیرهای خاصی را عمده کرده و ابعادی از موضوع را تبیین نموده‌اند و یک نظریه یا الگو به تنهایی نمی‌تواند تبیین جامعی ارائه دهد، بنابراین نیازمند اتخاذ یک چارچوب نظری ترکیبی برای فهم و تبیین رابطه سرمایه فرهنگی و مشارکت سیاسی هستیم. از این رو در این جا از رهیافت تلفیقی نظریه‌ها و چشم‌اندازهای مختلف فرهنگی و سیاسی بهره گرفته شده است.

فرهنگ از طریق جامعه‌پذیری به عاملان انتقال می‌یابد و توسط آن‌ها درونی می‌شود و این عامل مهمی در انگیزش رفتار اجتماعی آنان و مشارکت سیاسی به حساب می‌آید. این کارکرد عمدتاً در خانواده و در نظام آموزشی متمرکز می‌شود. هر چند رسانه‌های گروهی، سندیکاها و احزاب سیاسی نیز کارکرد و نقش آموزشی دارند (توسلی، ۱۳۶۹: ۲۵۰).

به نظر هانتینگتون، میزان تحصیلات فرد بیشترین تاثیر را بر مشارکت سیاسی دارد. عامل دوم عضویت فرد در انواع گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی است (ربیعی، ۱۳۸۰: ۷۴).

طبق رویکرد کنش متقابل نمادین، خصوصیات اساسی کنش اجتماعی در «خود» افراد و ادراک آن‌ها از رفتار دیگران شکل می‌گیرد. در چارچوب این رویکرد، می‌توان از نظریات مید و کولی بهره جست. به نظر مید، «خود» هر کس، حاصل وجه نظر جمع است و هیچ گونه شناسایی از خود، بدون وجه نظر دیگری و جز در منظر جمع نمی‌توان به دست آید (توسلی، ۱۳۶۹: ۲۵۸).

کولی معتقد است که کنش‌های فرد در زندگی روزمره تحت تاثیر گروه‌هایی می‌باشد که به آن‌ها تعلق دارد و این وابستگی گروهی است که نحوه واکنش فرد در قبال مسائل سیاسی را تعیین می‌کند و در واقع رفتار فرد در پاسخ به فشارها و انتظارات اجتماعی که از سوی دوستان و خانواده بر وی وارد می‌شود، صورت می‌گیرد، بنابراین دیدگاه، افراد آن گونه می‌اندیشند که در آن به سر می‌برند.

آیزن و فیش باین در نظریه کنش موجه بیان می‌کند که مشارکت سیاسی به مثابه نوعی کنش نیت‌مند و داوطلبانه است و بستگی به انتظار فایده و ارزیابی فایده دارد. این دو معتقدند که رفتار، بیشتر در حالت قابل پیش‌بینی، درک و توضیح است که ما به «قصد» شخص در رفتار توجه نماییم (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۷۲).

لویین نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی، چه قوی و چه ضعیف، دارای اثر مستقیمی بر انتخابات، وابستگی‌های حزبی و دیدگاه‌ها در مورد مسائل مهم سیاسی و کنترل متغیرهای نگرشی در سطح فردی است (لویین، ۲۰۰۵: ۱۵۱-۱۳۳).

نوک، در نظر سنجی عمومی سال ۱۹۸۷، نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی خودمحور می‌توانند ماهیت مشارکت در انتخابات ملی را پیش‌بینی کنند (نوک، ۱۹۹۰).

رابرت دال معتقد است که هرگاه شخص فکر کند دانش و آگاهی او محدودتر از آن است که بتواند با داخل شدن در سیاست به کارایی کافی برسد ترجیح می‌دهد که کم‌تر در آن مشارکت کند. میل برات نیز معتقد است که هرچه فرد بیشتر در معرض انگیزه‌های سیاسی به صورت بحث درباره سیاست و یا دسترسی داشتن به اطلاعات سیاسی مربوطه قرار داشته باشد.

پیشینه تجربی

- مسلمی در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود با عنوان بررسی عوامل اجتماعی موثر بر میزان مشارکت سیاسی دانشجویان دختر دانشگاه تبریز به یافته‌های زیر دست یافت:

یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل دو متغیره پژوهش، بیانگر این است که متغیرهای عضویت در انجمن‌های داوطلبانه، دوستان سیاسی، خانواده سیاسی، آگاهی سیاسی و رسانه‌های گروهی با مشارکت سیاسی رابطه معناداری داشته‌اند و به عبارت دیگر در افزایش آن نقش بسزایی داشته‌اند (مسلمی، ۱۳۸۶).

- مصفا در سال ۱۳۷۴ با استفاده از جمعیت نمونه ۱۵۰ نفری از زنان شهر تهران به مطالعه مشارکت سیاسی آنان پرداخت. وی بین سن، شغل، محل تولد، میزان تحصیلات، رشته تحصیلی و مشارکت سیاسی زنان به رابطه مثبت و معناداری دست یافت (مصفا، ۱۳۷۴).

- در تحقیق انجام گرفته توسط طاهر موسوی در سال ۱۳۷۷ تحت عنوان مشارکت سیاسی و عوامل موثر بر آن به بررسی موضوع در قالب نظریه‌های روان‌شناختی پرداخته شده است و نتایج به دست آمده حاکی از آن است که اگر فرد نسبت به پاداش‌ها و مزایای حاصله از آن ارزش بالایی قایل باشد و نیز نسبت به اثربخشی فعالیت سیاسی خود اطمینان بالایی داشته باشد و در نهایت احساس کند که اطلاعات کاملی در مورد نامزدهای انتخاباتی کسب کرده، به احتمال زیاد، در انتخابات شرکت خواهد کرد (موسوی، ۱۳۷۷).

- محمدرضا باقری احمدآبادی در تحقیقی که به روش پیمایشی انجام شده نشان داده است که مردان بیش از زنان، مجردها بیش از متاهلین، مشاغل دولتی بیش از آزاد و افراد تحصیل کرده بیش از افراد با تحصیلات پایین در سیاست مشارکت می‌نمایند. افرادی دارای حس کارآیی سیاسی بالا، با اعتماد بالا به نظام سیاسی موجود و اعتماد به دیگران و دارای آگاهی سیاسی بالا بیشتر در سیاست مشارکت می‌کنند. همچنین خانواده‌ها و دوستان فرد نیز بر کنش سیاسی افراد تاثیر بسزایی داشته‌اند (علیخواه، ۱۳۸۳).

- در پژوهشی که محمدرضا تاجیک با عنوان بررسی سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران (شهید بهشتی، امیرکبیر و علامه طباطبایی) و با روش پیمایشی انجام شده است، نتیجه حاصل از آن بیانگر وجود رابطه مثبت و معنی‌دار میان دو مولفه یاد شده سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی است.

- حسن بستانی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان بررسی تاثیر پایگاه اجتماعی و اقتصادی دانشجویان بر میزان مشارکت سیاسی و ارائه راهکار جهت تقویت مشارکت به بررسی مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه تهران پرداخته و در نهایت بیان می‌دارد که افرادی که تحصیلات خانوادگی بالاتر و درآمد بالاتر داشته، میزان مشارکت سیاسی بالاتری دارند (بستانی، ۱۳۸۳).

- جان‌علیزاده، خوش‌فر و سپهر در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه فرهنگی و موفقیت تحصیلی»، به بررسی رابطه و تاثیر سرمایه فرهنگی خانواده بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان پرداخته است. این تحقیق با استفاده چارچوب نظری بوردیو، سرمایه فرهنگی خانواده‌ها را با استفاده از عملیاتی‌سازی سه بعد متجسم، عینی و نهادینه شده سنجش و ارزیابی شده است (جان‌علیزاده؛ خوش‌فر و سپهر، ۱۳۹۰).

- فخرایی و کریمیان در مقاله‌ای با عنوان «بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با هویت‌پذیری» به بررسی رابطه سرمایه فرهنگی بر هویت افراد می‌پردازند. نتایج حاصل از بررسی نشان می‌دهد که همبستگی معنادار و مثبتی بین سرمایه فرهنگی و هویت ملی، قومی و دینی وجود دارد (فخرایی و کریمیان، ۱۳۸۸).

- میر رستگار و محمدی بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با کیفیت زندگی جوانان در شهر تهران از نتایج مهم این تحقیق، می‌توان به وجود ارتباط معنادار میان هر یک از مولفه‌های سرمایه فرهنگی یعنی: بعد تجسم یافته، عینیت یافته و سرانجام بعد نهادینه شده سرمایه فرهنگی با کیفیت زندگی اشاره کرد (میررستگار و محمدی، ۱۳۸۸).

صمدی‌راد(۱۳۸۵)، در مقاله «مکانیسم‌های ارتقاء مشارکت زنان در ابعاد سیاسی و اقتصادی» به متغیر تحصیلات به عنوان عمده‌ترین عامل زمینه‌ساز مشارکت سیاسی و اقتصادی زنان پرداخته است.

- جعفری‌نیا(۱۳۹۱)، در بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر میزان مشارکت سیاسی شهروندان شهر خورموج، با افزایش تحصیلات، میزان تمایل به مشارکت سیاسی نیز افزایش می‌یافت؛ بین سن، محل سکونت و وضعیت تاهل با میزان تمایل به مشارکت سیاسی رابطه وجود نداشت.

لیپست در مورد شرکت در انتخابات به این نتیجه می‌رسد که الگوی مشارکت در کشورهای مختلف یکسان است. مردان بیش از زنان، بیشتر آموزش دیده‌ها بیش از کمتر آموزش دیده‌ها، شهرنشینان بیش از روستاییان، میانسالان بیشتر از جوانان و پیران، متاهلین بیشتر از مجردین، افراد دارای منزلت بالا و افرادی که عضو سازمان‌ها هستند بیشتر در سیاست مشارکت می‌نمایند(لیپست، ۱۳۷۳).

دی. ال. شت ضمن تاکید بر متغیرهای درآمد، شغل، تحصیلات و مجموع شاخص‌های پایگاه اقتصادی و اجتماعی با شهرنشینی، عضویت سازمانی موثر در میزان مشارکت سیاسی افراد عنوان می‌کند که سواد یکی از متغیرهای بسیار قدرت‌مند و موثر بر میزان مشارکت است(بارکان، ۱۹۹۹: ۶۶).

تحقیقات لایگلی نشان می‌دهد که داشتن دوستان فعال در امور سیاسی موجب افزایش احتمال مشارکت خود افراد می‌شود. وی نتیجه می‌گیرد که از آن جا که بحث با دوستانی که به سیاست علاقمند هستند یا به فعالیت سیاسی می‌پردازند، می‌تواند به یادگیری فرد در فعالیت در امور سیاسی کمک کند(مک‌کلارگ، ۲۰۰۱).

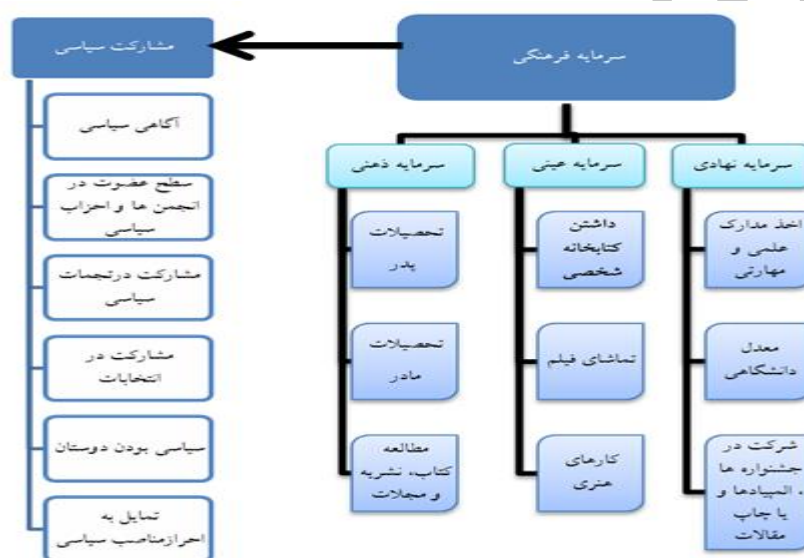
مک کلارگ هم‌چنین در تحقیقی با عنوان شبکه اجتماعی و مشارکت سیاسی به این نتیجه می‌رسد که علاوه بر این که تعاملات اجتماعی دارای عنوان سیاسی مهم هستند، اندازه شبکه تعاملات افراد نیز مهم است. افرادی که با دوستان و آشنایان سیاسی بیشتری ارتباط داشته باشند، از مشارکت سیاسی بالاتری نیز برخوردار خواهند بود. هم‌چنین نتایج تحقیق روی زن و شوهرها نشان می‌دهد، زوجینی که دارای همسران علاقه‌مند به سیاست هستند، از مشارکت بیشتری برخوردار بوده‌اند(همان).

لیزن(۲۰۰۸)، در پژوهشی به عنوان «آزادی رسانه‌ها، آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی» به این نتیجه رسید که کنترل رسانه‌ها توسط حکومت باعث کاهش میزان آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی شهروندان می‌شود. علاوه بر این، از نظر این محقق کنترل رسانه بازار فروش آن‌ها توسط حکومت‌ها باعث می‌شود که شهروندان از لحاظ آگاهی سیاسی نادان و بی‌تفاوت باشند(لیزن، ۲۰۰۸).

بازن در پژوهشی با عنوان «نگیزه‌دهی به منابع آگاهی سیاسی، آیا منافع شخصی مهم است؟» به بررسی منابع مهیج آگاهی سیاسی پرداخت و به این نتیجه رسید که تنوع و کنجکاوی دو منبع مهم آگاهی

سیاسی هستند و منافع شخصی صرفاً یک منبع ثانویه در کسب آگاهی از مسائل سیاسی روز برای شهروندان است (بازن، ۲۰۰۷).

نوک، در نظر سنجی عمومی سال ۱۹۸۷، نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی خودمحور می‌توانند ماهیت مشارکت در انتخابات ملی را پیش‌بینی کنند. او گزارش می‌دهد که در اغلب موارد مردم با دوستان خود در مورد مسائل سیاسی بحث می‌کنند که این امر علاقه و مشارکت آن‌ها در مناقشات ملی و انتخاباتی را افزایش می‌دهد (نوک، ۱۹۹۰).



نمودار شماره (۱): مدل تحلیلی

فرضیه‌های تحقیق

- به نظر می‌رسد میزان سرمایه فرهنگی دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز بیشتر از حد متوسط باشد.
- به نظر می‌رسد میزان مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز بیشتر از حد متوسط باشد.
- بین میزان سرمایه فرهنگی و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه وجود دارد.
- بین میزان سرمایه فرهنگی و میزان آگاهی سیاسی دانشجویان رابطه وجود دارد.
- بین میزان سرمایه فرهنگی و میزان مشارکت در تجمعات سیاسی دانشجویان رابطه وجود دارد.
- بین میزان سرمایه فرهنگی و میزان مشارکت در انتخابات دانشجویان رابطه وجود دارد.
- بین میزان سرمایه فرهنگی و میزان سیاسی بودن دوستان دانشجویان رابطه وجود دارد.

- بین میزان سرمایه فرهنگی و میزان تمایل به احراز مناصب سیاسی دانشجویان رابطه وجود دارد.
- بین سن و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه وجود دارد.
- میزان مشارکت سیاسی دانشجویان برحسب جنس آن‌ها متفاوت است.
- میزان سرمایه فرهنگی دانشجویان برحسب سطح عضویت آن‌ها در انجمن‌ها و احزاب سیاسی متفاوت است.
- میزان مشارکت سیاسی دانشجویان برحسب وضعیت تاهل آن‌ها متفاوت است.
- میزان مشارکت سیاسی دانشجویان برحسب سطح تحصیلات آن‌ها متفاوت است.

روش تحقیق

روشی که در این تحقیق به کار رفته روش پیمایشی است. این تحقیق از لحاظ معیار اجرایی از نوع کاربردی می‌باشد، زیرا در این تحقیق سعی شده تا رابطه سرمایه فرهنگی با مشارکت سیاسی مورد بررسی قرار گیرد تا شاید چشم‌اندازی برای شناخت رابطه سرمایه فرهنگی با مشارکت سیاسی را فراهم آورد. تحقیق حاضر از نوع کمی و پیمایشی است و با توجه به معیار زمان، این تحقیق از نوع تحقیقات مقطعی است؛ زیرا صرفاً در یک زمان صورت می‌گیرد و واقعیت را در یک برهه از زمان به کنکاش می‌نهد.

تعریف متغیرها

تعریف مفهومی مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی: تعریف فرهنگ انگلیسی آکسفورد مشارکت را به عنوان عمل یا واقعیت شرکت کلان بخشی از چیزی، را داشتن یا تشکیل دادن دانسته است. هم‌چنین مشارکت به معنای شرکت فعالانه افراد در حیات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و به طور کلی در تمامی ابعاد حیات است. مشارکت سیاسی از انواع مهم مشارکت محسوب می‌شود.

مشارکت سیاسی به مجموعه فعالیت‌های ارادی مسالمت‌آمیز گفته می‌شود که از طریق آن افراد یک جامعه به قصد تاثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی به طور مستقیم یا غیر مستقیم به آن دست می‌زنند. مشارکت سیاسی بر اساس تعریف میلبراث و گوئل: آن دسته اعمال شهروندان خصوصی که سعی دارند سیاست و حکومت را تحت تاثیر یا پشتیبانی قرار دهند (وان دث، ۲۰۰۱: ۴). در این تحقیق از ۶ شاخص برای سنجش میزان مشارکت سیاسی دانشجویان استفاده شده است که عبارت است از:

- آگاهی سیاسی
- سطح عضویت در انجمن‌ها و احزاب سیاسی
- مشارکت در تجمعات سیاسی

- مشارکت در انتخابات
- سیاسی بودن دوستان
- تمایل به احراز مناصب سیاسی

مفهوم سرمایه فرهنگی

سرمایه فرهنگی عبارت است از: آن چیزی است که فرد آن را به طور انتسابی و اکتسابی در خانواده، جامعه، مدرسه و ... کسب می‌کند و نوعی ایدئولوژی و هژمونی طبقه حاکم است که درست یا نادرست افراد بایستی آن را اخذ نمایند.

از نظر بوردیو سرمایه فرهنگی به سه حالت می‌تواند وجود داشته باشد:

۱. حالت تجسیدی Embodied state: که شامل تمایلات و گرایش‌های روانی فرد نسبت به استفاده از کالاهای فرهنگی است.

۲. حالت عینیت یافته Objectified state: که شامل میزان مصرف کالاهای فرهنگی است.

۳. حالت نهادی شده Institutionalized state: که شامل مدارک و مدارج تحصیلی و علمی فرهنگی فرد است.

الف) بعد ذهنی: فضای فرهنگی خانواده و تمایلات و گرایش‌های آن‌ها نسبت به مصرف کالاهای فرهنگی (تحصیلات پدر و مادر، مطالعه کتاب، خواندن نشریه و مجلات و غیره).

ب) بعد عینی: میزان مصرف کالاهای فرهنگی خود دانشجو (تماشای فیلم، داشتن کتابخانه شخصی و غیره).

ج) سرمایه نهادی: سرمایه فرهنگی خود دانشجو (اخذ مدارک علمی و مهارتی، معدل دانشگاهی و غیره). سرمایه فرهنگی با الهام از نظر بوردیو در سه بعد فوق‌الذکر در پرسشنامه سنجیده می‌شود و مجموع نمرات آن‌ها میزان سرمایه فرهنگی هر پاسخگو را نشان می‌دهد.

جامعه آماری

در این پژوهش جامعه آماری شامل کل دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز می‌باشد. حجم جامعه آماری با توجه به آخرین آمار ارائه شده از طرف واحد آمار و اطلاعات دانشگاه آزاد اسلامی برابر با ۱۸۵۴۰ نفر می‌باشد، که به تفکیک جنس ۷۱۰۵ نفر دانشجوی مرد و ۱۱۴۳۵ نفر دانشجوی زن می‌باشد.

نمونه آماری و روش نمونه‌گیری

در این تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب استفاده شده است، بدین طریق واریانس نمونه‌گیری کنترل شده و به عبارتی نمونه ما بیانگر کل جامعه آماری تلقی می‌شود و از این جهت می‌توان اطلاعات جمع‌آوری شده از نمونه آماری را به کل جامعه آماری تعمیم داد. بدین منظور نخست آمار کل دانشجویان را در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ از معاونت پژوهشی قسمت آمار و اطلاعات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز به تفکیک دانشکده و رشته تحصیلی و جنسیت تهیه کرده و برای برآورد و تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است. با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه به دست آمده مساوی است با ۳۷۸ با سطح خطای ۵ درصد صورت می‌گیرد.

یافته‌های توصیفی

- از نظر وضعیت تاهل ۷۴ درصد مجرد و ۲۶ درصد افراد نمونه آماری متأهل بودند.
- از نظر تحصیلات از کل نمونه مورد بررسی، مقطع تحصیلی ۱۴/۷ درصد کاردانی، ۵۲/۲ درصد کارشناسی، ۲۳/۹ درصد کارشناسی ارشد و ۹/۳ درصد دکتری است.
- برای متغیر سطح عضویت، از کل نمونه مورد بررسی، ۲۹/۳ درصد غیر عضو، ۴۳/۴ درصد عضو ساده، ۱۹/۵ درصد عضو فعال و ۷/۷ درصد مسئول هستند.
- از نظر سنی، میانگین سن برابر ۲۶/۳۰ سال، کمترین سن برابر ۱۸ و بیشترین مقدار برابر ۴۵ سال است.
- برای متغیر سرمایه فرهنگی، میانگین برابر ۵/۱۲، کمترین مقدار برابر ۱/۷۳ و بیشترین مقدار برابر ۹/۴۱ است.
- برای متغیر مشارکت سیاسی و مولفه‌هایش، میانگین مشارکت سیاسی برابر ۵/۳۶، کمترین مقدار برابر ۲/۳۲ و بیشترین مقدار برابر ۷/۵۴ است.
- میانگین مولفه آگاهی سیاسی برابر ۵/۱۰، کمترین مقدار برابر ۱/۰۴ و بیشترین مقدار برابر ۷/۸۳ است.
- میانگین مولفه مشارکت در تجمعات سیاسی برابر ۴/۷۵، کمترین مقدار برابر ۰/۱۴ و بیشترین مقدار برابر ۷/۷۱ است.
- میانگین مولفه مشارکت در انتخابات برابر ۵/۷۱، کمترین مقدار برابر ۱/۴۳ و بیشترین مقدار برابر ۸/۵۷ است.

- میانگین مولفه سیاسی بودن دوستان برابر $۵/۲۱$ ، کمترین مقدار برابر $۰/۴۳$ و بیشترین مقدار برابر $۸/۶۴$ است.

- میانگین مولفه تمایل به احراز مناصب سیاسی برابر $۶/۰۳$ ، کمترین مقدار برابر $۲/۸۶$ و بیشترین مقدار برابر $۹/۲۹$ است.

یافته‌های استنباطی

جدول شماره (۱): نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن توزیع نمرات

تعداد	آماره Z کولموگروف-اسمیرنوف	سطح معنی‌داری
۳۸۹	۱/۲۵۱	۰/۰۸۸
۳۸۹	۱/۲۹۱	۰/۰۶۵
۳۸۹	۱/۲۹۴	۰/۰۶۴
۳۸۹	۱/۲۵۵	۰/۰۸۸
۳۸۹	۱/۲۶۶	۰/۰۸۱
۳۸۹	۱/۳۲۱	۰/۰۵۷
۳۸۹	۱/۲۰۵	۰/۰۹۳

با توجه به سطوح معنی‌داری به دست آمده نتیجه گرفته می‌شود که متغیرهای سرمایه فرهنگی و مشارکت سیاسی و مولفه‌های دارای توزیع نرمال می‌باشند (سطح معنی‌داری بزرگتر از $۰/۰۵$).

جدول شماره (۲): آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای تحقیق

پیرسون	سطح معنی‌داری	فرضیه‌ها
۰/۲۸۱**	۰/۰۰۰	بین میزان سرمایه فرهنگی و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه وجود دارد.
۰/۲۴۸**	۰/۰۰۰	بین میزان سرمایه فرهنگی و میزان آگاهی سیاسی دانشجویان رابطه وجود دارد.
۰/۲۹۲**	۰/۰۰۰	بین میزان سرمایه فرهنگی و میزان مشارکت در تجمعات سیاسی دانشجویان رابطه وجود دارد.
۰/۲۳۴**	۰/۰۰۰	بین میزان سرمایه فرهنگی و میزان مشارکت در انتخابات دانشجویان رابطه وجود دارد.
۰/۱۴۸**	۰/۰۰۳	بین میزان سرمایه فرهنگی و میزان سیاسی بودن دوستان دانشجویان رابطه وجود دارد.
۰/۰۵۵	۰/۲۸۰	بین میزان سرمایه فرهنگی و میزان تمایل به احراز مناصب سیاسی دانشجویان رابطه وجود دارد.
-۰/۰۰۸	۰/۸۷۳	بین سن و میزان سرمایه فرهنگی دانشجویان رابطه وجود دارد.

با توجه به این که سطح معنی داری آزمون پیرسون کمتر از $0/05$ است فرض مستقل بودن متغیرها رد می شود. یعنی بین میزان سرمایه فرهنگی و میزان مشارکت سیاسی، میزان آگاهی سیاسی، میزان مشارکت در تجمعات سیاسی، میزان مشارکت در انتخابات و میزان سیاسی بودن دوستان دانشجویان رابطه مثبت معنی داری وجود دارد.

با توجه به این که سطح معنی داری آزمون پیرسون بزرگتر از $0/05$ است فرض مستقل بودن متغیرها رد نمی شود. یعنی بین میزان سرمایه فرهنگی و میزان تمایل به احراز مناصب سیاسی دانشجویان و بین سن و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه معنی داری وجود ندارد.

جدول شماره (۳): نتایج آنالیز واریانس برای میزان سرمایه فرهنگی و سطح عضویت

سطح عضویت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معنی داری
غیر عضو	۱۱۴	۵/۶۳۱۲	۲/۰۲۷۶۴		
عضو ساده	۱۶۹	۴/۷۴۶۲	۱/۶۶۶۵۹	۹/۶۱۷	۰/۰۰۰
عضو فعال	۷۶	۴/۸۲۰۱	۱/۴۶۴۸۴		
مسئول	۳۰	۶/۰۲۶۰	۱/۱۸۱۴۹		

سطح معنی داری آنالیز واریانس برابر $0/001$ است. با توجه به کوچک تر بودن سطح معنی داری آنالیز واریانس از $0/05$ ، فرض صفر رد می شود. در نتیجه میزان سرمایه فرهنگی در سطوح مختلف عضویت تفاوت معنی داری دارد.

جدول شماره (۴): نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای بررسی میزان سرمایه فرهنگی

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	سطح معنی داری	میانگین اختلاف متغیر با مقدار آزمون
سرمایه فرهنگی	۳۸۹	۵/۱۱۸۷	۱/۷۷۱۴۰	۱/۳۲۲	۳۸۸	۰/۱۸۷	۰/۱۱۸۶۹

میانگین متغیر سرمایه فرهنگی برابر $۵/۱۲$ و سطح معنی داری آزمون $0/۱۸۷$ است. با توجه به این که سطح معنی داری بزرگتر از $0/05$ است فرض صفر رد نمی شود. بنابراین نتیجه گرفته می شود که میزان سرمایه فرهنگی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز در حد متوسط می باشد.

جدول شماره (۵): نتایج آزمون تعقیبی LSD

(I) سطح عضویت	(J) سطح عضویت	میانگین اختلاف (I-J)	خطای معیار اختلاف	سطح معنی داری
غیر عضو	عضو ساده	۰/۸۸۵۰۷ *	۰/۲۰۷۸۸	۰/۰۰۰
غیر عضو	عضو فعال	۰/۸۱۱۰ *	۰/۲۵۴۰۰	۰/۰۰۲

۰/۲۶۳	۰/۳۵۱۹۵	-۰/۳۹۴۷۷	مستول	
۰/۰۰۰	۰/۴۰۷۸۸	-۰/۸۸۵۰۷ *	غیر عضو	
۰/۷۵۵	۰/۲۳۶۸۹	-۰/۰۷۳۹۸	عضو فعال	عضو ساده
۰/۰۰۰	۰/۳۳۹۸۱	-۱/۲۷۹۸۵ *	مستول	
۰/۰۰۲	۰/۲۵۴۰۰	-۰/۸۱۱۰ *	غیر عضو	
۰/۷۵۵	۰/۲۳۶۸۹	۰/۰۷۳۹۸	عضو ساده	عضو فعال
۰/۰۰۱	۰/۳۶۹۸۳	-۱/۲۰۵۸۷ *	مستول	
۰/۲۶۳	۰/۳۵۱۹۵	۰/۳۹۴۷۷	غیر عضو	
۰/۰۰۰	۰/۳۳۹۸۱	۱/۲۷۹۸۵ *	عضو ساده	مستول
۰/۰۰۱	۰/۳۶۹۸۳	۱/۲۰۵۸۷ *	عضو فعال	

نتایج آزمون تعقیبی LSD نشان می‌دهد که میزان سرمایه فرهنگی در بین دانشجویان غیرعضو در انجمن‌ها و هم‌چنین دانشجویان مستول در انجمن‌ها به طور معنی‌داری بیشتر از عضو ساده و عضو فعال است.

جدول شماره (۶): نتایج آزمون تک نمونه‌ای برای بررسی میزان مشارکت سیاسی

مقدار آزمون=۳						
متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
مشارکت سیاسی	۳۸۹	۵/۳۶۱۰	۱/۰۷۴۵۹	۶/۶۲۵	۳۸۸	۰/۰۰۰
میانگین اختلاف متغیر با مقدار آزمون						۰/۳۶۰۹۶

میانگین متغیر مشارکت سیاسی برابر ۵/۳۶ و سطح معنی‌داری آزمون ۰/۰۰۱ است. با توجه به این که سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ است فرض صفر رد می‌شود. از طرفی چون میانگین بیشتر از ۵ است نتیجه گرفته می‌شود که میزان مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز به طور معنی‌داری بیشتر از حد متوسط می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج به دست آمده میزان سرمایه فرهنگی دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز در حد متوسط می‌باشد. نتیجه حاصل ناشی از عدم بررسی همه ابعاد سرمایه فرهنگی می‌باشد، هم‌چنین میزان مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز به طور معنی‌داری بیشتر از حد متوسط می‌باشد.

فرضیه سوم بیان می‌کند که بین میزان سرمایه فرهنگی و میزان مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد؛ روابط همبستگی بین این دو متغیر برابر با $(0/281^{**})$ و سطح معنی‌داری $(0/000)$ این فرضیه تایید می‌گردد، نتایج به دست آمده با تحقیقات انجام شده مسلمی (۱۳۸۶)، مصفا (۱۳۷۴)، موسوی (۱۳۷۷)، باقری احمدآبادی، تاجیک، آل غفور، میلبراث - گوئل، بستانی، لیپست، لایگلی، ماروین السون، رابرت دال و مایکل راش همسو می‌باشد.

فرضیه چهارم بیان می‌کند که بین میزان سرمایه فرهنگی و میزان آگاهی سیاسی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج روابط همبستگی نشان داد که بین دو متغیر میزان سرمایه فرهنگی و میزان آگاهی سیاسی برابر با $(0/248)$ ، سطح معنی‌داری $(0/000)$ و کوچک‌تر از $(0/05)$ می‌باشد، بنابراین رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

نتیجه به دست آمده با تحقیق شهرام‌نیا و ملائی و باقری احمدآبادی (۱۳۷۷)، مسلمی (۱۳۸۶)، بازیگر و مرادی‌زاده (۱۳۸۳)، فراوانی، موسوی، لیزن، بازن، کلان و هایتون همسو می‌باشد.

فرضیه پنجم بیان می‌کند که بین میزان سرمایه فرهنگی و میزان مشارکت در تجمعات سیاسی رابطه معناداری وجود دارد؛ بدین معنی که هرچه میزان سرمایه فرهنگی افزایش یابد، میزان مشارکت در تجمعات سیاسی نیز افزایش می‌یابد. نتایج نشان داد ضریب همبستگی بین دو شاخص میزان سرمایه فرهنگی و میزان مشارکت در تجمعات $(0/292)$ و سطح معنی‌داری آن $(0/001)$ می‌باشد، پس رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و با نتیاج اصغر جائیان، جهانگیر جهانگیری (۱۳۸۷)، بستانی (۱۳۸۹)، فراوانی و تاج مزینانی همسو می‌باشد.

فرضیه ششم بیان می‌کند که بین میزان سرمایه فرهنگی و میزان مشارکت در انتخابات رابطه معناداری وجود دارد؛ بدین معنی که هر چه میزان سرمایه فرهنگی افزایش یابد، میزان مشارکت در انتخابات نیز افزایش می‌یابد. نتایج نشان داد ضریب همبستگی بین دو شاخص میزان سرمایه فرهنگی و میزان مشارکت در انتخابات $(0/234)$ سطح معنی‌داری آن $(0/001)$ می‌باشد، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد که با نتایج فراوانی (۱۳۸۷) همسو می‌باشد.

فرضیه هفتم بیان می‌کند که بین میزان سرمایه فرهنگی و سیاسی بودن گروه مرجع (دوستان) دانشجویان رابطه وجود دارد هر چه میزان تاثیرپذیری از گروه‌های مرجع بیشتر باشد، میزان سرمایه فرهنگی نیز بیشتر است. نتایج روابط همبستگی نشان داد که بین دو متغیر میزان سیاسی بودن گروه مرجع (دوستان) و سرمایه فرهنگی، سطح معنی‌داری $(0/003)$ است، پس رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

تحقیقات لایگلی نشان می‌دهد که داشتن دوستان فعال در امور سیاسی موجب افزایش احتمال مشارکت خود افراد می‌شود. هم‌چنین با تحقیق باقری احمدآبادی (۱۳۷۷)، اصغر جائیان، جهانگیر جهانگیری (۱۳۸۷)، مسلمی (۱۳۸۶)، فراوانی (۱۳۸۷)، مک کالارگ و نوک همسو می‌باشد.

فرضیه هشتم بیان می‌کند که بین میزان سرمایه فرهنگی و میزان تمایل به احراز مناصب سیاسی رابطه معناداری وجود دارد؛ نتایج نشان داد ضریب همبستگی بین دو شاخص میزان سرمایه فرهنگی و میزان تمایل به احراز مناصب سیاسی (۰/۰۵۵) و سطح معنی‌داری آن (۰/۲۸) می‌باشد، پس رابطه معنی‌داری وجود ندارد. در پژوهش موسوی (۱۳۷۷) حاکی از محاسبه پاداش و مزایای فعالیت‌های سیاسی است نتایج این فرضیه تایید می‌گردد.

فرضیه نهم بیان می‌کند ضریب همبستگی پیرسون برابر ۰/۰۰۸- و سطح معنی‌داری آزمون ۰/۸۷۳ است. بین سن و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه معنی‌داری وجود ندارد، نتیجه به دست آمده با تحقیقات غلام‌رضا جعفری‌نیا (۱۳۹۱) همسو می‌باشد.

فرضیه دهم بیان می‌کند میانگین مشارکت سیاسی در دانشجویان زن برابر ۵/۳۵ و در دانشجویان مرد برابر ۵/۳۹ و سطح معنی‌داری برابر ۰/۷۲۶ است، در نتیجه بین میزان مشارکت سیاسی دانشجویان زن و مرد تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. بدین معنا که میزان مشارکت سیاسی در میان زنان و مردان یکسان می‌باشد که با تحقیقات میررستگاری و محمدی، بازیگر و مرادی‌زاده (۱۳۸۳) همسو می‌باشد.

فرضیه یازدهم بیان می‌کند، در آنالیز واریانس یک طرفه سطح معنی‌داری برابر (۰/۰۰۱) است. با توجه به کوچک‌تر بودن سطح معنی‌داری آنالیز واریانس از ۰/۰۵، تفاوت میان سطح عضویت معنی‌دار می‌باشد. در نتیجه میزان سرمایه فرهنگی در سطوح مختلف عضویت تفاوت معنی‌داری دارد. نتایج آزمون تعقیبی LSD نشان می‌دهد که میزان سرمایه فرهنگی در بین دانشجویان غیر عضو در انجمن‌ها و همچنین دانشجویان مسئول در انجمن‌ها به طور معنی‌داری بیشتر از عضو ساده و عضو فعال است. نتیجه به دست آمده با تحقیقات اصغر جانیان، جهانگیر جهانگیری (۱۳۸۷)، مسلمی (۱۳۸۶)، فراوانی، لپیست، لپیست و دوز، دی، ال، شت و نوک همسو می‌باشد.

فرضیه دوازدهم بیان می‌کند میانگین مشارکت سیاسی در دانشجویان مجرد برابر ۵/۴۴ و در دانشجویان متاهل برابر ۵/۱۲ و سطح معنی‌داری برابر ۰/۰۰۹ است، در نتیجه میزان مشارکت سیاسی دانشجویان مجرد به طور معنی‌داری بیشتر از دانشجویان متاهل است، به عبارتی میزان مشارکت سیاسی دانشجویان مجرد به طور معنی‌داری بیشتر از دانشجویان متاهل است. لپیست معتقد است زنان عموماً کمتر نقش فعالی در سیاست ایفا کرده‌اند، زیرا فعالیت‌شان بیشتر به امور خانه محدود شده است، حال آن که مردان بیشتر فعال بوده‌اند، چون از حمایت‌های جانبی زنان در زندگی برخوردار بوده‌اند. همچنین با تحقیقات اصغر جانیان، جهانگیر جهانگیری (۱۳۸۷) و باقر احمدآبادی همسو می‌باشد.

فرضیه سیزدهم بیان می‌کند، سطح معنی‌داری آنالیز واریانس برابر ۰/۴۴۸ است، در نتیجه میزان مشارکت سیاسی در سطوح مختلف تحصیلی تفاوت معنی‌داری ندارد و با نتایج پژوهش اصغر جانیان و

جهانگیر جهانگیری (۱۳۸۷) بین تحصیلات فرد و میزان مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود ندارد، همسو می‌باشند.

منابع

- استونز، راب. (۱۳۸۳). **متفکران بزرگ جامعه‌شناسی**. ترجمه: م، میردامادی. تهران: مرکز. چاپ سوم. اطاعت، محمدجواد. (۱۳۷۸). **توسعه سیاسی**. امام جمعه‌زاده، سیدجواد؛ و مرندی، زهره. (۴). **بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان در بین دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد**. بستانی، حسن. (۱۳۸۳). **بررسی پایگاه اجتماعی و اقتصادی دانشجویان بر میزان مشارکت سیاسی**. بودیو، پی‌یر. (۱۳۸۱). **نظریه کنش**. ترجمه: س، م، مردی‌ها. تهران: انتشارات نقش نگار. توسلی، غلامعباس. (۱۳۶۹). **نظریه‌های جامعه‌شناسی**. تهران: انتشارات سمت. دواس. (۱۳۸۳). **پیمایش در تحقیقات اجتماعی**. ترجمه: هوشنگ، ناییب. تهران: نشر نی. چاپ سوم. ربیعی، علی. (۱۳۸۰). **جامعه‌شناسی تحولات ارزشی: نگاهی به رفتارشناسی سیاسی**. ترجمه: م، صبوری. تهران: نشر سمت. چاپ اول. رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۸). **آنا تومی جامعه**. تهران: مشارکت سهامی انتشار. چاپ اول. سیدمن، استیون. (۱۳۸۸). **کشاکش آرا در جامعه‌شناسی**. ترجمه: ه، جلیلی. تهران: نشر نی. چاپ دوم. علیخواه، فردین. (۱۳۸۳). **سنجش مفاهیم اساسی علوم اجتماعی**. تهران: دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. غفاری هنجین، زاهد؛ بیگی‌نیا، عبدالرضا و تصمیم قطعی، اکرم. (۱۳۸۹). **عوامل موثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان علوم سیاسی و فنی دانشگاه تهران**. دوره ۶، شماره ۱۲. فراوانی، حسین. (۱۳۸۷). **بررسی عوامل اجتماعی موثر بر کنش انتخاباتی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز**. لیست، مارتین. (۱۳۷۳). **جامعه‌شناسی سیاسی**. ترجمه: س، ر، ابوالحسنی. تهران: انتشارات توس. چاپ اول. مسلمی، محمد. (۱۳۸۶). **بررسی عوامل اجتماعی موثر بر میزان مشارکت سیاسی دانشجویان دختر دانشگاه تبریز**. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، تبریز. مصفا، نسربین. (۱۳۷۵). **مشارکت سیاسی زنان در ایران**. موسوی، طاهر. (۱۳۷۷). **عوامل موثر بر مشارکت سیاسی**. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی. Barkan, S. E. (1999). Race, Issue Engagement and Political Participation. **Race and Society**. Vol.1, No.1, P:p: 63-76. Leeson, N. & etal. (2008). Media Freedom, Political Knowledge and Participation. **Journal of Economic Perspectives**. Vol. 22, No. 2, P:p:16-155. Mc Clurg, S. D. (2001). **Social Networks and Political Participation**. Internet: Google Site. Long, (Ed). New York: Plenum Prese, 1981.